



Documentary Validation of Sadouq's work of "Khisal" Medical Ahadith*

Seyyed Abdullah Isfahani¹

Fatima Muhammad Hosseini²

Masoumeh Behzadi³

Abstract

Referring to the medical words of Ahl al-Bayt in the modern era and due to the overlap of some of their teachings with the titles of experimental sciences, especially medical concepts, creates the necessity to deal with the validity of medical traditions. Many books of Sheikh Sadouq's works is one of sources that refer to medical hadiths, among which, his book Al-Khisal became the focus of this article. The current research examines and validates documental-based the 23 medical narrations of the first volume of this book. The present article, which was carried out in a qualitative, descriptive, analytical, descriptive and statistical method, acquired more than 78.5% "reliable narrators" in the chain of related hadith documents, 87% "musnad" and 48% "reliable and authentic narrations". It has been achieved and accepted by the narrators, and it has been considered that the result will be the validity of the 23 medical narrations of Al-Khisal.

Keywords: Document Validation, Medical Hadiths, Medical Narrations of Khisal.

*. **Date of receiving:** 22 November 2021, **Date of approval:** 20 February 2022.

1. Assistant Professor, Qom University of Quranic Sciences and Education, Faculty of Quranic Sciences in Amol, Iran [corresponding author]; (esfahaniquran@gmail.com).

2. MS Student, Qom University of Quranic Sciences and Education, Faculty of Quranic Sciences in Amol, Iran; (iran340002@gmail.com).

3. MS Student, Qom University of Quranic Sciences and Education, Faculty of Quranic Sciences in Amol, Iran; (yasekabood918@gmail.com).



اعتبارسنجی سندی احادیث پزشکی خصال شیخ صدوق*

سید عبدالله اصفهانی^۱ و فاطمه محمدحسینی^۲ و معصومه بهزادی^۳

چکیده

بازگرایش به سخنان طبی اهل بیت (علیهم‌السلام) در عصر مُدرن امروز و هم‌پوشانی برخی آموزه‌های ایشان با عناوین علوم تجربی، به‌ویژه مفاهیم پزشکی، ضرورت پرداختن به اعتبار روایات طبی را ایجاد می‌کند. کتاب‌های متعدد شیخ صدوق (علیه‌السلام) یکی از منابع رجوع به احادیث طبی بوده که در این میان، کتاب الخصال ایشان محور بررسی این مقاله قرار گرفت. نگاشته پیش رو به بررسی و اعتبارسنجی سندی ۲۳ روایت پزشکی جلد اول این کتاب پرداخته است. مقاله حاضر که به روش کیفی، توصیفی، تحلیلی، نقلی و آماری صورت گرفته، به بیش از ۷۸/۵٪ «راوی ثقه» در زنجیره اسناد احادیث مربوطه و ۸۷٪ «روایات مسند» و ۴۸٪ «روایات موثق و صحیح» دست یافته و قابل پذیرش محدثان دانسته است که نتیجه آن، برخورداری قوت سندی و رجالی ۲۳ روایت طبی کتاب الخصال خواهد بود.

واژگان کلیدی: اعتبارسنجی سندی، احادیث پزشکی، روایات طبی الخصال.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۹ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۱۲/۲۸.

۱. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم، دانشکده علوم قرآنی آمل، ایران [نویسنده مسئول]: (esfahaniquan@gmail.com).

۲. کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، آمل، ایران: (iran340002@gmail.com).

۳. کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، آمل، ایران: (yasekabood918@gmail.com).



مقدمه

میراث گران سنگ سنت و سیره معصومان علیهم‌السلام همواره از سوی مسلمانان و عالمان اسلامی به چشم تکریم نگریسته شده است. لیکن مطرح شدن مباحث علمی مربوط به ماهیت علوم تجربی و رابطه آن با آموزه‌های برخاسته از متون دینی، گرایش گسترده جوامع پیشرفته و مسلمان به سوی طب سنتی، باور مسلمانان به خطاناپذیری آموزه‌های قرآن و روایات معتبر، موجب بازگرایشی ویژه‌ای به سوی آموزه‌های بهداشت و سلامت قرآن و روایات و سیره معصومان علیهم‌السلام شده است.

کنکاش از فرآیند فهم عالمانه روایات پزشکی و بررسی مسأله استناد و وثوق سندی - رجالی این روایات، به‌ویژه با توجه به توسعه علوم تجربی و دستاوردهای گسترده دانش پزشکی مدرن، محتاج نظام‌سازی خاص و روش‌شناسی معتبر فهم و نقد روایات پزشکی است. به‌گونه‌ای که موجب تمایز علم از غیر علم و شبه‌علم گردد. ترسیم روش‌شناسی فهم و نقد حدیث، از اساسی‌ترین چالش‌های روایات پزشکی شمرده می‌شود.

در گذشته طراحی دو علم رجال و درایه از سوی عالمان مسلمان و به هدف «شناخت احوال راویان حدیث از حیث احراز شرایط جواز یا عدم جواز قبول گفتارشان مانند صداقت، عدالت، فسق و...» (سبحانی، ۱۴۰۸: ۱۱) و «کیفیت نقل حدیث از سوی راویان، به لحاظ اتصال و انفصال زنجیره ناقلان حدیث و یا داشتن سند، ارسال سند و مانند آن» (مدیر شانه‌چی، ۱۳۷۵: ۳) تلاشی در راستای دست‌یابی به روایات معتبر بوده است.

لازم به یادآوری است: ممکن است از راه سند حدیث (به‌طور مستقل) و یا به کمک قرائن دیگر (جداگانه و یا توأم با کمک گرفتن از سند حدیث) از صادر شدن یک روایت از معصوم علیه‌السلام، اطمینان حاصل شود. در مقابل اگر از صحت سندی یک حدیث، به کمک شناسایی راویان و اتصال سند، اطمینان بیابیم، گفته می‌شود «وثوق سندی» به آن تحصیل شده است. نسبت بین «وثوق صدوری» و «وثوق سندی» حدیث، عموم و خصوص من وجه است. یعنی ممکن است گاهی از صحت سندی روایتی مطمئن باشیم، لیکن به دلیل اینکه قطع داریم فی‌المثل به خاطر مخالفت حدیث با قرآن و سنت معتبر چنین حدیثی از معصوم علیه‌السلام صادر نشده، «وثوق صدوری» حاصل نشود. از سویی گاهی «وثوق صدوری» حاصل است، ولی سند روایت قابل پذیرش نیست. در نهایت، در موارد متعددی نیز هم «وثوق سندی» و هم «وثوق صدوری» وجود دارد. نتیجه آنکه: وثوق سندی «قرینه»‌ای برای دست‌یابی به «وثوق صدوری» است و با تحصیل آن، به بهره‌گیری عملی از روایت، نزدیک‌تر می‌شویم. هرچند «وثوق سندی» علیت تامه ندارد، یعنی چه‌بسا از راه صحت سندی حدیث، نتوان صحت و سقم مفاد آن را تشخیص داد.

از طرفی، اعتبار علمی - رجالی کتب حدیثی و اعتبار مآخذ و منابعی که در نگارش آن به کار رفته و محدوده زمانی نگارش کتب حدیثی ... همگی درجات و مراتب متفاوتی از اعتبار را برای حدیث - و از آن جمله روایات پزشکی - در پی دارد. به عنوان نمونه: اعتبار منابع حدیثی اصیل که جزو اولین کتب روایی شیعه است و در عصر معصومان علیهم السلام و یا نزدیک به آن دوران نگاشته شده، طبعاً از منابع حدیثی متأخر، بیشتر است. این تفاوت درجه اعتبار حتی در میان کتاب‌های نگارش شده توسط یک نویسنده نیز مشاهده می‌شود. به طوری که اعتبار برخی از کتب یک نویسنده، نسبت به برخی دیگر از تألیفاتش، متفاوت است. به عنوان نمونه، اعتبار کتاب «من لایحضره الفقیه» شیخ صدوق، به دلیل آنکه فتوایش محسوب می‌شود، از اعتبار کتاب «علل الشرائع» که در آن روایات مرتبط با مسأله استدلال یا نظیر آن را آورده و با استفاده از قواعد نقد حدیث، آن را نقادی نموده، متفاوت است.

پژوهش‌های سندی - محتوایی در حوزه روایات پزشکی، در حوزه و دانشگاه با تساهل آغاز شده و هنوز مرحله نوجوانی خویش را سپری می‌کند. به طوری که فقدان مطالعات موشکافانه و کاربردی در این حوزه مشهود است. پژوهش در خصوص روایات پزشکی در تألیفات حدیثی مرحوم شیخ صدوق به عنوان یکی از درخشان‌ترین چهره‌های علمی امامی و پرکارترین محدث شیعی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. چپستی صحت و سقم سندی - رجالی روایات پزشکی جلد اول خصال صدوق از حلقه‌های مفقوده در این حوزه و پرسش اساسی مقاله حاضر محسوب می‌شود و پیرو پژوهش نگارندگان تاکنون ضمن کتاب، پایان‌نامه و مقاله‌ای انجام نشده است. چنانکه گزینش جلد اول خصال در این مقاله، به لحاظ افزایش حجم کمی اعتبارسنجی روایات پزشکی هر دو جلد، از حد ظرفیت یک مقاله است.

مقاله حاضر، پژوهشی کیفی، توصیفی، تحلیلی و نقلی و به شیوه جمع‌آوری مطالب در حوزه روایات پزشکی کتاب جلد یک «خصال» شیخ صدوق و بر اساس تقسیم‌بندی این روایات در چهار محور بهداشت، تغذیه، درمان و پیشگیری می‌باشد. منبع پژوهش مفاد نرم‌افزار تخصصی - رجالی شیعه «فرهنگ اسناد کتب شیخ صدوق» است که به نوبه خود مشتمل بر ده کتاب مرحوم شیخ صدوق، به همراه اسناد آن و به شرح ذیل است: «من لایحضره الفقیه»، در چهار جلد؛ «الأمالی» در یک جلد؛ «التوحید» در یک جلد؛ «ثواب الأعمال و عقاب الأعمال» در یک جلد؛ «الخصال» در دو جلد؛ «علل الشرائع» در دو جلد؛ «عیون أخبار الرضا» در دو جلد؛ «فضایل الأشهر الثلاثة» در یک جلد؛ «کمال الدین و تمام النعمه» در دو جلد و «معانی الأخبار» در یک جلد.



الف. شناخت شیخ صدوق و اعتبار الخصال

محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، مشهور به «شیخ صدوق»، در سال ۳۰۵ هجری قمری، در خاندان علم و تقوی، در شهر قم دیده به جهان گشود. وی از محدثان و فقهای بزرگ طائفه امامیه و مؤلف کتاب «من لا یحضره الفقیه»، از کتب اربعه حدیثی شیعه بوده و حدود سیصد کتاب تألیف نموده که از آن میان، بیست کتاب وی در گذر زمان به دست ما رسیده است. به عنوان نمونه می‌توان: اعتقادات، امالی، العرض علی المجالس، توحید، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، عیون أخبار الرضا علیه السلام، کتاب من لا یحضره الفقیه، الخصال و... نام برد. او محدث و فقیهی جلیل‌القدر، حافظ احادیث و چیره‌دست در علم رجال و نقادی اخبار بوده است. مرجعیت علمی وی، شهرهای شرق و غرب دنیای اسلام را درنوردیده است. به گونه‌ای که در خراسان مرجعیت طائفه امامیه را بر عهده داشته و از شهرهای قزوین، مصر، بصره، کوفه، مدائن، نیشابور و... پرسش‌های دینی نزد وی مطرح می‌شد و ایشان پاسخ آنها را می‌نگاشته است. او که نزدیک به عصر ائمه علیهم السلام می‌زیست، با جمع‌آوری روایات اهل بیت علیهم السلام و تألیف کتاب‌های نفیس و باارزش، خدمات ارزنده و کم‌نظیری به اسلام و تشیع نموده است.

شیخ طوسی در معرفی شیخ صدوق می‌گوید: «او دانشمندی جلیل‌القدر و حافظ احادیث بود. از احوال رجال، کاملاً آگاه و در سلسله احادیث، نقادی عالی‌مقام به شمار می‌آمد. بین بزرگان قم، از نظر حفظ احادیث و کثرت معلومات مانند نداشت و در حدود سیصد اثر تألیفی از خود به جا گذاشته است» (طوسی، بی تا، ۱۵۶). هم‌چنین رجالی کبیر، نجاشی، درباره او می‌نویسد: «ابو جعفر (شیخ صدوق) ساکن ری، فقیه و چهره برجسته شیعه در خراسان است، او به بغداد نیز وارد شد و با اینکه در سن جوانی بود همه بزرگان شیعه از او استماع حدیث می‌کردند» (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۸۹؛ خویی، ۱۴۱۰: ۳۴۵/۱۷). چنانچه علامه بحرانی درباره شیخ می‌گوید: «جمعی از اصحاب ما، از جمله علامه در «مختلف»، شهید در «شرح ارشاد» و سید محقق داماد، روایات مرسله صدوق را صحیح می‌دانند و به آنها عمل می‌کنند؛ زیرا همان‌گونه که روایات مرسله ابن ابی عمیر پذیرفته شده، روایات مرسله صدوق هم مورد قبول واقع شده است. مشایخ بزرگ بغداد همچنین از وی روایت کرده و بزرگانی چون شیخ مفید و حسین بن عبیدالله غضائری از وی حدیث شنیده و به دریافت اجازه نقل روایت، نائل آمده‌اند.

شیخ صدوق نزد اساتید بزرگی همچون پدر بزرگوارش علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، محمد بن حسن بن احمد بن ولید، حمزه بن محمد بن احمد بن جعفر بن محمد بن زید بن علی علیه السلام، ابوالحسن، محمد بن قاسم، ابومحمد، قاسم بن محمد استرآبادی، ابومحمد، عبدوس بن علی بن عباس گرگانی، محمد بن علی استرآبادی تلمذ نموده است و شاگردان مبرز نظیر برادرش حسین بن

علی بن موسی بن بابویه قمی، شیخ مفید، پدر شیخ نجاشی، ابن غضائری، استاد شیخ طوسی، شیخ ابوجعفر، شیخ ابوالبرکات، علی بن حسن خوزی و... را پرورانده است (شیخ صدوق، ۱۳۹۴: ۱۲-۱۴؛ همان، ۱۳۸۵: ۱۷-۱۵؛ همان، ۱۳۶۴: ۱۱-۱۵).

کلام رئیس‌المحدثین شیخ صدوق در علم رجال حجت و منبع شناخت وثاقت و ضعف روایات است. وی ضمن سهم فراوانی که در جمع‌آوری و دسته‌بندی روایات معصومان علیهم‌السلام دارد، معتبرترین منابع حدیثی را تألیف نموده است.

برخی از شاخص‌ترین ویژگی‌های حدیث‌نگاری شیخ صدوق را می‌توان به شرح ذیل تقریر نمود: تسلیم در برابر مفاد احادیث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و معصومان علیهم‌السلام در کنار استناد به آیات قرآن (صدوق، ۱۴۰۱: ۸/۸)؛ نگاه محققانه و موشکافانه و غالباً توأم با تبیین، تفسیر و تأویل مستند به احادیث؛ اجتناب از جمع‌آوری صرف روایات و نگاه تفسیری و نقادانه با عنایت به ادله عقلی و نقلی (جلالی، ۱۳۹۰: ۱۷۵-۱۷۶)؛ عنایت به مفاد احادیث «تقیه‌آمیز» (صدوق، ۱۴۰۳: ۴۱؛ صدوق، ۱۳۷۸: ۵)؛ تلاش در رفع تعارض ظاهر اخبار معضل و غریب‌الحدیث و...؛ ترجیح احادیث متصل‌السند بر منقطع‌السند؛ اجتناب از پذیرش اخبار ضعیف‌الاسناد، توأم با پی‌جویی از علت ضعف حدیث؛ دست‌یابی به نسخه اصلی روایت صادر شده از سوی معصوم علیهم‌السلام در برخی موارد و... (جلالی، ۱۳۹۰: ۱۷۸-۱۷۹).

کتاب «خصال» وی با بهره‌مندی از همه خصایص فوق و با وجود حجم کم، دائرةالمعارف بزرگی از معارف اسلامی همچون: احکام شرعی، مباحث تاریخی، تفسیر قرآن، نکات فلسفی، مفاهیم سیاسی و... شمرده می‌شود. شیخ صدوق در این کتاب درباره هرکدام از موضوعات اخلاقی و عقیدتی روایاتی را جمع‌آوری و به تناسب اعدادی که در متن حدیث به‌کاررفته، دسته‌بندی نموده است. خصال اولین کتابی است که به این سبک نگارش یافته است (صدوق، ۱۳۶۲: ۹). این تألیف همانند سایر کتاب‌های شیخ صدوق همواره مورد توجه علما و فقهای شیعه بوده است و روایات آن در بسیاری از مجموعه‌های روایی شیعه مانند کتب اربعه، بحارالانوار، وسائل الشیعه و... و کتب روایی عالمان متأخر از شیخ صدوق آمده است (نرم‌افزار جامع فقه اهل بیت علیهم‌السلام؛ نرم‌افزار جامع الاحادیث).

ب. تنوع مفاد روایات پزشکی جلد اول «خصال» صدوق

با پژوهش در خصوص همه احادیث موجود در جلد اول «خصال» صدوق، تعداد ۲۳ حدیث پزشکی استخراج گردید؛ لازم به ذکر است که در این مجلد کتاب احادیثی دال بر معنویت درمانی آمده بود که در این پژوهش به آن پرداخته نشد؛ تحقیق و تعمیق پژوهش در احادیث فوق، بیانگر آن است که



می‌توان آنها را به لحاظ محتوایی و مفاد به ۴ قسم: «پیشگیری»، «بهداشت»، «تغذیه» و «درمان» دسته‌بندی کرد. قابل ذکر است که برخی از این احادیث در برگیرنده دو محتوا می‌باشد، به‌عنوان مثال در حدیث: «۱۱۴-۶۲۵- حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ عَيْسَى عَنْ فُرَاتِ بْنِ أَخْنَفٍ قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْكُرَّاثِ فَقَالَ كُلُّهُ فَإِنَّ فِيهِ أَرْبَعُ خِصَالٍ يَطِيبُ النَّكْهَةَ وَيَطْرُدُ الرِّيَّاحَ وَيَقْطَعُ الْبُؤَاسِيرَ وَهُوَ أَمَانٌ مِنَ الْجَذَامِ لِمَنْ أَدَمَّنَ عَلَيْهِ. در تره چهار خصلت است: فرات بن احنف نقل می‌کند که از امام صادق عليه السلام در باره تره پرسیده شد، فرمود: آن را بخور که در آن چهار خصلت است: دهان را خوشبو و بادها را دفع و بواسیر را قطع می‌کند و آن برای کسی که مداومت کند امان از جذام است». به دو محتوای «تغذیه و درمان» اشاره شده است. که این تنويع محتوایی در احادیث ۳-۶۶۱ «بهداشت و درمان»، «۱۶۸-۴۰۸، ۱۹۹-۴۳۹، ۲۰۰-۴۴۰، ۱۱۳-۶۲۴» «تغذیه و درمان» و «۹۲-۲۰۵، ۱۶۹-۴۰۹، ۴۳۴-۱۹۴، ۶۹۰-۳۲» «تغذیه و پیشگیری» دیده می‌شود.

از لحاظ محتوایی لیست انواع محتوای روایات پزشکی، به همراه شماره و کد احادیث جلد اول خصال در جدول ذیل تقدیم می‌شود.

ج. اعتبارسنجی سندی روایات پزشکی جلد اول «خصال» صدوق

جدول تنويع محتوایی روایات پزشکی جلد اول خصال صدوق همراه شماره و کد احادیث						
تغذیه و پیشگیری	تغذیه و درمان	بهداشت و درمان	پیشگیری	درمان	تغذیه	بهداشت
۹۲-۲۰۵	۱۶۸-۴۰۸	۳-۶۶۱	۶۵-۶۵	۶۳-۶۳	۸۲-۸۲	
۱۶۹-۴۰۹	۱۹۹-۴۳۹		۲۴-۱۳۷	۱۱۲-۶۲۳	۹۱-۲۰۴	
۱۹۴-۴۳۴	۲۰۰-۴۴۰		۹۴-۲۰۷		۴۳-۲۸۴	
۳۲-۶۹۰	۱۱۳-۶۲۴		۴۴-۲۸۵		۱۱-۶۶۹	
	۱۱۴-۶۲۵		۶۷-۵۷۸			
			۱۱۵-۶۲۶			
			۹-۶۶۷			

بنابر پژوهش نگارندگان احادیث پزشکی جلد اول خصال، اولاً به لحاظ «ارزیابی سندی» از مجموع ۲۳ حدیث طی، ۱۲ حدیث ضعیف، ۷ حدیث صحیح و ۴ حدیث موثق‌اند؛ ثانیاً: نتیجه کنکاش در زنجیره اسناد روایات فوق از حیث «اتصال و انفصال سند»، دست‌یابی به ۲۰ حدیث مسند، ۲ حدیث مرفوع و یک حدیث مرسل می‌باشد.

لازم به یادآوری است، به لحاظ اصطلاحات علم حدیث:

حدیث صحیح: روایتی است که سند آن، توسط روایان عادل و امامی در تمام طبقات به معصوم علیه السلام متصل باشد (ر.ک. عاملی، ۱۳۹۶: ۵). بنابراین برخوردار از سه ویژگی: اتصال سند در تمام طبقات، رواات عادل و امامی در تمام طبقات و نقل از معصوم، از شرایط روایت صحیح است. به‌عنوان نمونه: حدیث (۶۲۶-۱۱۵) «حدثنا ابي رضى الله عنه قال: حدثنا علي بن ابراهيم بن هاشم، عن ابيه، عن اسماعيل بن مرار، عن يونس بن عبدالرحمن، عن ابي الحسن عليه السلام».

حدیث موثق: روایتی است که به رغم برخوردارى از اتصال سند به معصوم علیه السلام و عدالت و یا وثاقت روایان در تمام طبقات، یک یا چند راوی آن، غیر امامی باشند (ر.ک. مامقانی، ۱۴۱۱: ۱/۱۶۸) حداقل یک نفر از سلسه سند آن، امامی عادل و ضابط بوده و سند به معصوم علیه السلام منتهی گردد. به‌عنوان نمونه: حدیث (۲۸۴-۴۳) «حدثنا حمزة بن محمد احمد العلوي رضى الله عنه قال اخبرني علي بن هاشم عن ابيه، عن النوفلي، عن السكوني، عن جعفر بن محمد عن آباءه، عن علي عليه السلام».

حدیث ضعیف: روایتی است که اعتبار آن از جهت اوصاف روایان ثابت نشده باشد. به‌عنوان نمونه (۶۵-۶۵) «حدثنا محمد بن علي ما جيلويه رضى الله عنه قال حدثنا محمد بن يحيى العطار قال: حدثني ابوسعيد الادمي قال: حدثني الحسن بن الحسين اللؤلؤي، عن محمد بن سعيد غزوان، عن اسماعيل بن ابي زياد عن ابي عبد الله جعفر بن محمد عن ابي...».

حدیث مسند: روایتی است که در آن نام تمام سلسله روایان سند بدون ابهام ذکر شده و سند به معصوم علیه السلام منتهی گردد. به‌عنوان نمونه (۶۶۹-۱۱) «حدثنا محمد بن الحسن بن وليد رضى الله عنه قال: حدثنا محمد بن الحسن الصفار عن احمد بن عبدالله عن الحسين بن علي بن فضال، عن الحسن بن الجهم قال: قال ابوالحسن موسى بن جعفر عليه السلام».

حدیث مرفوع: روایتی است که از وسط یا آخر آن، یک راوی یا بیشتر حذف شده باشد و تصریح به واژه «رفع» یا مشتقات آن شده باشد (مامقانی، ۱۴۱۱: ۱/۲۰۷) به‌عنوان نمونه: (۲۸۵-۴۴) «حدثنا محمد بن الحسن رضى الله عنه قال: حدثنا عبدالله بن جعفر الجميري قال: حدثني احمد بن محمد عيسى قال: حدثني ابو يحيى سهيل بن زياد الواسطي باسناده يرفعه الى اميرالمؤمنين عليه السلام».



حدیث مرسل: مرسل جلی روایتی است که دچار حذف اسناد باشد اعم از اینکه همه راویان یا شماری از آنها حذف شده باشد به این ترتیب، «مرسل» شامل مرفوع (هر حدیث منتسب به معصوم علیه السلام)، موقوف (روایات صحابی)، مقطوع (روایت تابعی)، معلق (حذف آغاز سند)، منقطع (حذف یک راوی از وسط سند) و معضل (حذف بیش از یک راوی از وسط سند می شود (مامقانی، ۱۴۱۱: ۳۴۸-۳۱۴/۱) مرسل خفی حدیثی است که در ظاهر سند آن متصل و مسند است، اما با دقت در طبقات سند و مقایسه اسناد، دانسته می شود که طبقه ای از سند، حذف شده است (سبحانی، ۱۴۱۲: ۱۰۷-۱۰۸) به عنوان نمونه: (۴۰۸-۱۶۷) «حدثنا ابي رضى الله عنه قال: حدثنا سعد بن عبدالله، عن احمد بن ابي عبدالله البرقي قال: حدثنا عدة من اصحابنا عن حنان بن سدير».

جدول «شماره و کد احادیث پزشکی»، «لیست ارزیابی سندی احادیث» و «تشریح تفصیلی وضعیت اتصال و انفصال سند هر روایت» به شرح ذیل تقدیم می شود:

جدول «ارزیابی» و «اتصال و انفصال» سندی روایات پزشکی جلد اول خصال صدوق

ردیف	کد	ارزیابی سند			اتصال سند			حدیث
		صحیح	مقبول	مستند	متصل	مستند	مستند	
۱	۶۳-۶۳	*						عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <small>عليه السلام</small> قَالَ: الْكُحْلُ يَنْبِثُ الشَّعْرَ وَيَجْفِفُ الدَّمْعَةَ وَيُعَذِّبُ الرَّيْقَ وَيَجْلُو البَصْرَ
۲	۶۵-۶۵	*	*					عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ <small>عليه السلام</small> طُولُ الْجُلُوسِ عَلَى الْغَلَاءِ يورثُ النَّبَاسُونَ... قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ <small>عليه السلام</small> يَقُولُ الْوَضوءُ قَبْلَ الطَّعَامِ وَبَعْدَهُ يَزِيدُ فِي الرَّزْقِ.
۳	۸۲-۸۲	*						...عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: تَقْلِيمُ الْأظْفَارِ وَ أَخْذُ الشَّارِبِ مِنْ جُمْعَةٍ إِلَى جُمْعَةٍ أَمَانٌ مِنَ الْجُدَامِ.
۴	۱۳۷-۲۴	*						...عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <small>عليه السلام</small> قَالَ: لَا تَتَخَلَّلُوا بِعُودِ الرِّيحَانِ وَ لَا بِقَضِيبِ الرِّمَّانِ فَإِنَّهُمَا يَهِيحَانِ عِرْقَ الْجُدَامِ.
۵	۲۰۴-۹۱	*						...عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ <small>عليه السلام</small> قَالَ: تَهَى رَسُولُ اللَّهِ <small>صلى الله عليه وآله</small> أَنْ يَتَغَوَّطَ عَلَى شَفِيرِ مَاءٍ يَشْتَعِدُّبُ مِنْهُ أَوْ تَهَى بِسُحْرَةٍ مِنْهُ أَوْ تَحْتَ شَجَرَةٍ عَلَيْهَا ثَمَرُهَا.
۶	۲۰۵-۹۲	*	*					...عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <small>عليه السلام</small> قَالَ: لَا تَسْتَقْبِلُوا الشَّمْسَ فَإِنَّهَا مَبْحُورَةٌ تُشْحِبُ اللَّوْنُ وَ تُبْلِي الثُّوبَ وَ تُظْهِرُ الدَّاءَ الدَّفِينِ.
۷	۲۰۷-۹۴	*	*					...عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <small>عليه السلام</small> قَالَ: لَا تَسْتَقْبِلُوا الشَّمْسَ فَإِنَّهَا مَبْحُورَةٌ تُشْحِبُ اللَّوْنُ وَ تُبْلِي الثُّوبَ وَ تُظْهِرُ الدَّاءَ الدَّفِينِ.
۸	۲۸۴-۴۳	*		*				...عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <small>عليه السلام</small> قَالَ: لَا تَسْتَقْبِلُوا الشَّمْسَ فَإِنَّهَا مَبْحُورَةٌ تُشْحِبُ اللَّوْنُ وَ تُبْلِي الثُّوبَ وَ تُظْهِرُ الدَّاءَ الدَّفِينِ.
۹	۲۸۵-۴۴	*		*				...عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <small>عليه السلام</small> قَالَ: لَا تَسْتَقْبِلُوا الشَّمْسَ فَإِنَّهَا مَبْحُورَةٌ تُشْحِبُ اللَّوْنُ وَ تُبْلِي الثُّوبَ وَ تُظْهِرُ الدَّاءَ الدَّفِينِ.
۱۰	۲۰۴-۱۶۸	*		*				...عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <small>عليه السلام</small> قَالَ: لَا تَسْتَقْبِلُوا الشَّمْسَ فَإِنَّهَا مَبْحُورَةٌ تُشْحِبُ اللَّوْنُ وَ تُبْلِي الثُّوبَ وَ تُظْهِرُ الدَّاءَ الدَّفِينِ.

... قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ <small>عليه السلام</small> يَقُولُ ثَلَاثَةٌ لَا تُضَرُّ الْعَيْبَ الزَّارِقِيَّ وَ قَصَبَ السُّكَّرِ وَ الثُّفَاعَ الْبُنْيَانِيَّ.	*	*	٢٠٩-١٦٩	١١
... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: ثَلَاثَةٌ يَسْمِينُ وَ ثَلَاثَةٌ يَهْرُنُ فَأَمَّا الَّتِي يَسْمِينُ فَاذْمَانُ الْحَمَامِ وَ سَمُّ الْوَايْحَةِ الطَّبِيْبَةِ وَ لُبْسُ الشِّيَابِ اللَّيْنَةِ وَ أَمَّا الَّتِي يَهْرُنُ فَاذْمَانُ أَكْلِ الْبَيْضِ وَ السَّمَكِ وَ الطَّلْعِ.	*	*	٢٣٤-١٩٤	١٢
... قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِنَّ الرُّبِيْزَ دَخَلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ <small>صلى الله عليه وآله</small> وَ يَبْدُو سَفَرَجَلَةً فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ <small>صلى الله عليه وآله</small> يَا رُبِيْزُ مَا هَذِهِ بِيَدِكَ فَقَالَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذِهِ سَفَرَجَلَةٌ فَقَالَ يَا رُبِيْزُ كُلِّ السَّفَرَجَلِ فَإِنَّ فِيهِ ثَلَاثَ خِصَالٍ قَالَ وَ مَا هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ يَقِمُّ الْفَوَاذَ وَ يَسْخَى النَّجِيخَ وَ يَسْخِجُ الْجَبَانَ.	*	*	٤٣٩-١٩٩	١٣
... عَنْهُ يَزِيْرِي أَنْ الصَّادِقَ <small>عليه السلام</small> قَالَ: مَا زَالَ الرُّبِيْزُ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ حَتَّى أَذْرَكَ فَرْحُهُ فَتَهَاةً عَنْ رَأْيِهِ.				
... قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ <small>عليه السلام</small> يَقُولُ كُلُّوا الْبَصَلَ فَإِنَّ فِيهِ ثَلَاثَ خِصَالٍ يَطْبِيْبُ النَّكْهَةَ وَ يَشُدُّ اللَّثَّةَ وَ يَبْرِدُ فِي الْمَاءِ وَ الْجَمَاعِ.	*	*	٢٤٠-٢٠٠	١٤
... قَالَ أَمِيْرُ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ <small>عليه السلام</small> لِلْحَسَنِ ابْنِهِ <small>عليه السلام</small> يَا بَنِيَّ أَلَا أَعْلَمُكَ أَرْبَعَ خِصَالٍ تَسْتَعْفِي بِهَا عَنِ الطَّبِّ فَقَالَ بَلَى يَا أَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ قَالَ لَا تَجْلِسَ عَلَى الطَّعَامِ إِلَّا وَ أَنْتَ جَائِعٌ وَ لَا تَقُمْ عَنِ الطَّعَامِ إِلَّا وَ أَنْتَ تَشْتَهِيهِ وَ جَوْدَ الْمَضْغِ وَ إِذَا نِمْتَ فَاعْرِضْ نَفْسَكَ عَلَى الْخَلَاءِ فَإِذَا اسْتَعْمَلْتَ هَذَا اسْتَعْفَيْتَ عَنِ الطَّبِّ.	*	*	٥٧٨-٤٦٧	١٥
... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <small>عليه السلام</small> قَالَ: الدَّوَاءُ أَرْبَعَةٌ الْجَمَامَةُ وَ السُّعُوْطُ وَ الْحُنْتَةُ وَ النَّقِيُّ.	*	*	٦٢٣-١١٢	١٦
... يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <small>عليه السلام</small> قَالَ: أَرْبَعَةٌ يَعْدَلُنَ الطَّبَّاعَ الرُّمَّانُ السُّورَانِيَّ وَ الْبُسْرَ الْمَطْبُوخَ وَ الْبَنْتَسُجَ وَ الْهِنْدَبَاءَ.	*	*	٦٢٤-١١٣	١٧
... سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ <small>عليه السلام</small> عَنِ الْكِرَاثِ فَقَالَ كُلُّهُ فَإِنَّ فِيهِ أَرْبَعَ خِصَالٍ يَطْبِيْبُ النَّكْهَةَ وَ يَطْرُدُ الرِّيَّاحَ وَ يَقَطِّعُ النَّوَاسِيْرَ وَ هُوَ أَمَانٌ مِنَ الْجَذَامِ لِمَنْ أَدَمَّنَ عَلَيْهِ.	*	*	٦٢٥-١١٤	١٨
... عَنْ أَبِي الْحَسَنِ <small>عليه السلام</small> قَالَ: عَلَامَاتُ الدَّمِ أَرْبَعٌ الْجَدَّةُ وَ الْبِشْرَةُ وَ الثُّعَالُ وَ الْمَوْزَانُ.	*	*	٦٢٦-١١٥	١٩
... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <small>عليه السلام</small> فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ قَالَ الْمَشْطُ فَإِنَّ الْمَشْطَ يَجْلِبُ الرُّزْقَ وَ يَحْسِنُ الشَّعْرَ وَ يَنْجِرُ الْحَاجَةَ وَ يَبْرِدُ فِي مَاءِ الصُّلْبِ وَ يَقَطِّعُ الْبَلْغَمَ وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ <small>صلى الله عليه وآله</small> يَسْرُحُ تَحْتَ لِحْيَتِهِ أَرْبَعِينَ مَرَّةً وَ مِنْ فَوْقِهَا سِتْعَ مَرَّاتٍ وَ يَقُولُ إِنَّهُ يَبْرِدُ فِي الذَّهْنِ وَ يَقَطِّعُ الْبَلْغَمَ.	*	*	٦٦١-٣	٢٠
... قَالَ رَسُولُ اللَّهِ <small>صلى الله عليه وآله</small> خَمْسُ خِصَالٍ ثَوْرَتْ ثَوْرَتْ الْبِرْصُ الثَّوْرَةُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ وَ التَّوَضُّؤُ وَ الْإِغْتِسَالُ بِالْمَاءِ الَّذِي تَسْتَحْتَهُ الشَّمْسُ وَ الْأَكْلُ عَلَى الْجَنَابَةِ وَ غَسْبَانَةُ الْمَرْأَةِ فِي أَيَّامِ حَيْضِهَا وَ الْأَكْلُ عَلَى الشَّتِيحِ.	*	*	٦٦٧-٩	٢١
... قَالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ <small>عليه السلام</small> خَمْسٌ مِنَ الشُّنَنِ فِي الرَّأْسِ وَ خَمْسٌ فِي الْجَسَدِ فَأَمَّا الَّتِي فِي الرَّأْسِ فَالْسَّوَاكُ وَ أَخْذُ الشَّارِبِ وَ فَرْقُ الشَّعْرِ وَ الْمُضْمَضَةُ وَ الْإِسْتِنْشَافُ وَ أَمَّا الَّتِي فِي الْجَسَدِ فَالْجَنَابُ وَ خَلْقُ الْعَاثَةِ وَ تَنْفِثُ الْإِطْبِيْنِ وَ تَقْلِيمُ الْأَطْفَارِ وَ الْإِسْتِنْجَاءُ.	*	*	٦٦٩-١١	٢٢
... عَنْ عَلِيِّ <small>عليه السلام</small> قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ <small>صلى الله عليه وآله</small> كَانَ يَكْرَهُ أَكْلَ خَمْسَةِ الطَّحَالِ وَ الْقَضِيْبِ وَ الْأَثْيَبِيْنَ وَ الْحَيَاءِ وَ آذَانَ الْقَلْبِ.	*	*	٦٩٠-٣٢	٢٣



د. اعتبارسنجی رجالی راویان احادیث پزشکی جلد اول «خصال» شیخ صدوق

یکی از مسائل مهم در حوزه نقد سندی روایات، بحث جرح و تعدیل راویان است. این مهم به عهده عالمان رجال است که به معرفی راویان و تبیین ویژگی‌های اعتقادی، اخلاقی و... آنان پرداخته‌اند. شرط پذیرش روایات نقل شده، برخورداری راویان از شرایط ذیل است: ۱. اسلام؛ ۲. عقل، که بر اساس آن، روایت مجنون، مست، نائم، بی‌هوش و کسی که مبتلا به فرام‌وشی است، مردود است؛ ۳. بلوغ؛ ۴. ایمان که مراد از آن امامی بودن و اعتقاد به ولایت ائمه دوازده‌گانه است؛ ۵. عدالت بنا بر نقل شیخ طوسی، اگر اطمینان حاصل شود که راوی از کذب و دروغ پرهیز دارد، برای پذیرش روایاتش کافی است؛ ۶. ضبط؛ که به معنای برخورداری لازم از قدرت حفظ در اجتناب از خطا و سهو در نقل است و در ذیل شخص عدالت قرار می‌گیرد (مامقانی، بی‌تا، ۲۳ و ۲۵؛ ۱۹/۲ و ۴۰، ۴۹ و ۴۳، ۱۴۵؛ طوسی، ۱۳۷۳: ۱/۲).

شرط «مذهب خاص راوی» از نظر درایه‌نگاران شیعه، از لوازم «حدیث صحیح» است (مامقانی، ۱۴۱۱: ۱۳). هرچند مذهب انحرافی، مانع قبول حدیث راوی نمی‌شود، بلکه در صورتی که انحراف مذهبی، با وثاقت راوی جمع شود، حدیث او به‌عنوان «حدیث موثق» مورد پذیرش قرار می‌گیرد (همان: ۲۷)، لذا در سلسله سند روایات شیعه، شماری از راویان سنی، زیدی، واقفی، فطحی مذهب و... مشاهده می‌شود که به دلیل توثیق از سوی علمای رجال، حدیث ایشان پذیرفته می‌شود. به‌عنوان نمونه نجاشی در مورد حمید بن زیاد کوفی می‌نویسد: «... کان ثقةً واقفاً» (همان: ۳۳۹). برخی از مهم‌ترین عوامل مخلّ به عدالت راوی عبارت‌اند از: کفر، عدم بلوغ، جنون، بدعت‌گذاری، دروغ‌گویی، اتهام به دروغ، ظهور فسق؛ مبهم‌بودن راوی، مجعول‌العین‌بودن راوی، مجهول‌الحال‌بودن راوی و... .

جرح و تعدیل راویان به دو گونه: «مجمّل، مبهم و کلی» و «مبّین، مفسّر و تفصیلی» از سوی حدیث‌نگاران مطرح شده است. نمونه اول با تعبیراتی مانند: ثقه، صدوق، کذاب، متهم؛ و نمونه دوم که در آن دلیل و علت جرح یا تعدیل به‌طور واضح بیان شده است، مانند: «... و کان ثقةً فی نفسه؛ یروی عن الضعفاء، و اعتمد المراسیل» (معارف، ۱۳۸۷: ۳۵۲).

دیدگاه مشهور دانشمندان شیعه و سنی آن است که «تعدیل» به‌صورت مجمل و کلی، پذیرفتنی است، ولی «جرح» جز با تبیین و تفسیر، قابل قبول نخواهد بود (عراقی، بی‌تا، ۳۰۰).

امور مخلّ به ضبط راوی متعدّدند. از جمله می‌توان به فراوانی اشتباه راوی، فراوانی مخالفت راوی با محدّثان، حفظ نامطلوب، غفلت شدید، غل فاحش (به‌طوری که خطای راوی بر موارد صواب او فزونی یابند)، جهل راوی به دلالت‌های الفاظ (در صورت نقل به معنی در حدیث)، سهل‌انگاری در مقابله و تصحیح متون حدیثی، نقل روایات غریب (وشاذ) و تلقین‌پذیری راوی، اشاره نمود (ابن عبداللطیف، ۱۴۱۲: ۱۵).

برخی از مهم‌ترین مصطلحات تعدیل راویان عبارتند از: ثقه، صدوق، محله الصدق، وجه، متقن، ثبت، عدل، مأمون، أوثق الناس، «ثقه ثقه»، «ثقه حافظ»، «ثقه ثبت»، «لا أحد أثبت منه»، «لا بأس إلا به»، «يحتج بحديثه» ... اکثر علمای حدیث راویان فوق را که یا جزو اصحاب اجماع‌اند، یا با صیغه افعال تفضیل تعبیر می‌شوند، یا با تأکید مورد توثیق‌اند، یا توثیق معمولی، و یا علی‌رغم توثیق، به ضبط و اتقان آنها تصریح نشده، روایت منقول از آنان را «صحیح» و قابل احتجاج دانسته‌اند (معارف، ۱۳۸۷: ۳۵۶-۳۵۷).

برخی از معروف‌ترین مصطلحات جرح راویان، بر اساس «مراتب جرح»، با صرف‌نظر از برخی اختلافات عبارت‌اند از:

۱- راویانی که توثیقی درباره آنها نرسیده و به عکس مورد جرح خفیف واقع شده‌اند و به نوعی «مستور» یا «مجهول الحال» می‌باشند و از آنان با اوصافی مانند: «لین الحدیث»، «فیه المقال»، «یعرف وینکر»، «لیس بذلک»، «لیس بحجه»، «فیه ضعف»، «غیره أوثق منه» و... یاد می‌شود.

۲- راویانی که به‌شکل مبهم و اشاره مورد جرح قرار گرفته‌اند. از این راویان با تعبیری چون: «ضعیف»، «لایحتج به»، «حدیثه منکر»، «مضطرب الحدیث»، «له مناکیر»، «منکر الحدیث» و... یاد می‌شود.

راویان دو گروه فوق، به‌عنوان شاهد روایات دیگر، قابل استناد و ثبت و نقل‌اند، لکن به‌تنهایی ارزشی جهت احتجاج ندارند (القطن، بی‌تا، ۶۴).

۳- روایاتی که با الفاظ ناظر به عقیده راوی جرح می‌شوند، یعنی دوازده‌امامی بودن راوی نفی می‌شود؛ مانند غال، ناصب، فاسدالعقیده.

۴- روایانی که با الفاظ ناظر به حوزه اخلاق راوی جرح می‌شوند یعنی عدالت او نفی و فسق و دروغ به وی نسبت داده می‌شود. مانند فاسق، شارب‌الخمر، کذاب، وضاع الحدیث، یخترق الحدیث کذباً (از روی دروغ حدیث می‌سازد)، لیس بعادل، لیس بصادق.

جدول آماری تعداد کل «راویان تکراری و غیرتکراری ثقه» به همراه توصیفاتشان در زنجیره سندی
روایات جلد اول خصال

تعداد کل حدیث	کل راویان	راویان تکراری	کل راویان ثقه	راویان تکراری ثقه	راویان غیرتکراری ثقه
۲۳	۱۳۵	۷۷	۱۰۶	۷۰	۳۶

ردیف	کتاب حدیث	کل راوی	راویان تکراری	راوی ثقه	تکراری ثقه	توصیف
۱	۶۳-۶۳	۵	۵	۴	۳	حماد بن عثمان (حماد بن الناب): امامی ثقه جلیل من اصحاب الاجماع
۲	۶۵-۶۵	۶	۵	۵	۴	اسماعیل بن زیاد: فی کلام ثقه علی التحقیق اعتمد اصحاب علی کنایه
۳	۸۲-۸۲	۵	۴	۴	۳	حَدَّثَنِی الْحَسَنُ بْنُ مَتَّیْلِ الدَّقَاقُ: امامی ثقه جلیل
۴	۱۳۷-۲۴	۵	۴	۵	۴	أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: امامی ثقه علی التحقیق
۵	۲۰۴-۹۱	۶	۳	۵	۳	أَبِي الْجَوْزَاءِ الْمَنْبِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ: امامی ثقه عَنْ فَضِيلِ بْنِ عُثْمَانَ: امامی ثقه جلیل
۶	۲۰۵-۹۲	۶	۳	۵	۳	عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَصْبَاطٍ (بن سالم): فطحی قبل برجوعه عن الفطحیه ثقه عَنِ الْحَكَمِ بْنِ مِسْكِينٍ (الثَّقَفِي): امامی ثقه علی التحقیق
۷	۲۰۷-۹۴	۶	۶	۵	۵	-
۸	۲۸۴-۴۳	۵	۴	۵	۴	حَدَّثَنَا حَمْرَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَحْمَدَ الْعَلَوِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: امامی ثقه علی التحقیق
۹	۲۸۵-۴۴	۴	۲	۳	۳	-
۱۰	۴۰۸-۱۶۸	۵	۴	۵	۴	عَنْ حَنَّانِ بْنِ سَدِيرٍ (الصيرفي): واقفی ثقه والظاهر أخذ المشايخ عنه قبل وقفه
۱۱	۴۰۹-۱۶۹	۵	۳	۵	۳	عَنِ النَّهَيْكِيِّ (عبدالله بن محمد النهيكي): امامی ثقه عَنْ مُنْصَوَّرِ بْنِ يُونُسَ (بزرج): واقفی فی ظم والظاهرا أخذ المشايخ عنه صمه مذهبه لو ثبت وقفه ثقه
۱۲	۴۳۴-۱۹۴	۶	۴	۶	۴	عَنْ مُوسَى بْنِ عَمْرٍو (بن يزيد ذبيان): امامی ثقه علی التحقیق عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ (الدّهني): امامی ثقه جلیل
۱۳	۴۳۹-۱۹۹	۷	۳	۶	۳	عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ: امامی ثقه جلیل من اصحاب الاجماع علی قول وَوَهَبُ بْنُ حَفْصِ: امامی ثقه عَنْ شَهَابِ بْنِ عَبْدِ رَبِّيَّةَ: امامی ثقه
۱۴	۴۴۰-۲۰۰	۵	۳	۳	۲	عَنْ مُسَيَّرِ بِنَاعِ الرَّطْبِيِّ (ميسرين عبدالعزيز النخعي): امامی ثقه جلیل



ردیف	کد حدیث	کل راوی	راویان تکراری	راوی ثقة	تکراری ثقة	خبر تکرار ثقة
۱۵	۵۷۸-۶۷	۷	-	۲	-	حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ (احمدبن عمران الدقاقی): امامی ثقة علی التحقیق عَنِ الْأَصْنَعِ بْنِ ثَبَاتَةَ: امامی ثقة جلیل من سلفنا الصالحین
۱۶	۶۲۳-۱۱۲	۵	۵	۵	۵	-
۱۷	۶۲۴-۱۱۳	۷	۵	۵	۳	عَنْ نُوحِ بْنِ شَعِيبِ النَّسَائِبُورِيِّ: امامی ثقة جلیل عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ الْمُهْتَدِيِّ (الاشعری): امامی ثقة حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: امامی ثقة جلیل
۱۸	۶۲۵-۱۱۴	۶	۳	۳	۲	عَنْ إِسْمَاعِيلِ بْنِ مَرْزَانَ: امامی ثقة جلیل عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ: امامی ثقة جلیل من اصحاب الاجماع
۱۹	۶۲۶-۱۱۵	۵	۳	۵	۳	عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ: امامی ثقة جلیل عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ حَجَّاحٍ: امامی وليس بکيسانی رجع عن الوقف ثقة جلیل
۲۰	۶۶۱-۳	۷	۲	۴	۲	حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَسْرُورٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ (محمدبن قولویه): امامی ثقة جلیل حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ: امامی ثقة عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ (الاشعری): امامی ثقة جلیل عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ الْأَحْمَرِ: امامی ثقة جلیل من اصحاب الاجماع ما قبل في فساد مذهبه باطل عَنْ أَبَانَ بْنِ ثَعْلَبِ (الجریری): امامی ثقة جلیل عَنْ عِكْرَمَةَ (مولی ابن عباس): ضعيف عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ (عبدالله بن العباس بن عبدالمطلب): امامی ثقة جلیل و ما ورد في قدحه وهم
۲۱	۶۶۷-۹	۹	-	۷	-	عَنْ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ (بن بکیر): امامی ثقة جلیل عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هِلَالٍ (الکرخی العبرثانی): فاسد المذهب ثقة
۲۲	۶۶۹-۱۱	۵	۴	۵	۴	
۲۳	۶۹۰-۳۲	۸	۳	۴	۳	

-راویان ضعیف

این گروه راویانی هستند که با الفاظی نظیر «امامی لم یثبت وثاقته» و «ضعیف جدا رمی بالغلو» و «امامی مضطرب الحدیث» و مانند آن تضعیف شده‌اند. کل راویان ضعیف موجود در سلسله روایت احادیث طبّی جلد یک خصال، ۹ نفراند که با حذف روایت تکراری (= ۶ راوی)، ۳ نفر خواهند بود. اسامی ۳ «راوی ضعیف» در سلسله احادیث پزشکی جلد اول خصال عبارت‌اند از: أَبُو یَحْيَى سَهَيْلُ بْنُ زِيَادِ الْوَأَسِطِيِّ، بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ، عِكْرَمَةَ (مولی بن عباس). اسامی این ۳ «راوی ضعیف» به همراه توصیفاتشان به شرح جدول ذیل تقدیم می‌گردد.

جدول آماری تعداد کل «راویان تکراری و غیرتکراری ضعیف» به همراه توصیفاتشان در زنجیره سندی
راویات پزشکی جلد اول خصال صدوق

تعداد کل حدیث	کل راویان	راویان تکراری	کل راویان ثقه	راویان تکراری ثقه	راویان غیرتکراری ثقه
۲۳	۱۳۵	۷۷	۹	۶	۳

ردیف	کتاب حدیث	کل راوی	راویان تکراری	راوی ضعیف	تکراری ضعیف	ضعیف غیرتکراری
۱	۶۳-۶۳	۵	۵	-	-	-
۲	۶۵-۶۵	۶	۵	-	-	-
۳	۸۲-۸۲	۵	۴	-	-	-
۴	۱۳۷-۲۴	۵	۴	-	-	-
۵	۲۰۴-۹۱	۶	۴	۱	۱	-
۶	۲۰۵-۹۲	۶	۳	۱	۱	-
۷	۲۰۷-۹۴	۶	۶	۱	۱	-
۸	۲۸۴-۴۳	۵	۵	-	-	-
۹	۲۸۵-۴۴	۴	۵	۱	-	حَدَّثَنِي أَبُو يَحْيَى سَهْلُ بْنُ زَيْدِ الْوَأَسِطِيُّ: امامی لم یثبت وثاقته
۱۰	۴۰۸-۱۶۸	۵	۴	-	-	-
۱۱	۴۰۹-۱۶۹	۵	۳	-	-	-
۱۲	۴۳۴-۱۹۴	۶	۳	-	-	-
۱۳	۴۳۹-۱۹۹	۷	۳	-	-	-
۱۴	۴۴۰-۲۰۰	۵	۶	۱	۱	-
۱۵	۵۷۸-۶۷	۷	۴	۱	-	حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ: امامی لم یثبت وثاقته وترضعف بعض التضعیف
۱۶	۶۲۳-۱۱۲	۵	۲	-	-	-
۱۷	۶۲۴-۱۱۳	۷	۴	۱	۱	-
۱۸	۶۲۵-۱۱۴	۶	۳	۱	۱	-
۱۹	۶۲۶-۱۱۵	۵	۴	-	-	-
۲۰	۶۶۱-۳	۷	۳	-	-	-
۲۱	۶۶۷-۹	۹	۳	۱	-	عكرمه (مولی بن عباس): ضعیف
۲۲	۶۶۹-۱۱	۵	-	-	-	-
۲۳	۶۹۰-۳۲	۸	۵	-	-	-



- راویان مجهول الحال و توصیف نشده:

مجموع راویان مجهول الحال و توصیف نشده در سلسله راویان کتاب فوق با عنایت به تکرار در سلسله احادیث ۲۰ نفراند که با حذف روایت تکراری (=۱ راوی)، ۱۹ نفر خواهند بود.

اسامی این ۱۹ «راوی مجهول الحال و توصیف نشده» در سلسله سندی روایات پزشکی جلد اول خصال عبارتند از: مُحَمَّدُ بْنُ سَعِيدِ بْنِ عَزْوَانَ، عَنْ أَبِي عَوْفِ الْعَجَلِيِّ، مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْبَصْرِيِّ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْكَسَائِيِّ، أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكْرِيَا الْقَطَّانِ، عُثْمَانُ بْنُ عَبْدِ هُدْبَةَ بْنِ خَالِدِ الْقَيْسِيِّ، مُبَارَكُ بْنُ فَصَّالَةَ (القرشي)، مُحَمَّدُ بْنُ أَسْلَمَ (الطبري الجبلي)، عُمَرُ بْنُ عَيْسَى، فُرَاتُ بْنُ أَحْتَفَ، إِسْمَاعِيلُ بْنُ مَنْصُورِ (بن احمد القصار) بْنِ أَحْمَدَ الْقَصَّارِ بَقْرَعَانَةَ، أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، أَحْمَدُ بْنُ عَلِيِّ الْأَنْصَارِيِّ أَبُو عَلِيٍّ، أَبُو عَامِرٍ، عَنْ عَيْسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، الْهَاشِمِيِّ (عيسى عبدالله بن محمد العمري)، أَبِيهِ (عبدالله بن محمد بن عمر الاطراف)، جَدِّهِ: (عبدالله بن محمد بن عمر الاطراف)، آبَائِهِ (آباء عيسى بن عبدالله بن محمد العمري).

اسامی این ۱۹ «راوی مجهول الحال» به همراه توصیفاتشان به شرح جدول ذیل تقدیم می گردد. یادآوری: آمار تفصیلی راویان «موثق»، «ضعیف» و «مجهول الحال و توصیف نشده» و در هریک از سه گروه، مقید به «تعداد کل راویان»، «تعداد روایان تکراری»، «تعداد راویان غیر تکراری»؛ در کنار شماره و کد هریک از روایات طبی جلد اول خصال، نیز در جدول ذیل ارائه شده است.

جدول آماری تعداد کل «راویان تکراری و غیر تکراری مجهول الحال و توصیف نشده» به همراه

توصیفاتشان در زنجیره سندی روایات پزشکی جلد اول خصال صدوق

تعداد کل حدیث	کل راویان	راویان تکراری	کل راویان ثقه	راویان تکراری ثقه	راویان غیر تکراری ثقه
۲۳	۱۳۵	۷۷	۲۰	۱	۱۹

ردیف	کد حدیث	کل راوی	راویان تکراری	راوی مجهول الحال	تکراری مجهول الحال	راوی غیر تکراری مجهول الحال
۱	۶۳-۶۳	۵	۵	۱	۱	-
۲	۶۵-۶۵	۶	۵	۱	-	عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ بْنِ عَزْوَانَ
۳	۸۲-۸۲	۵	۴	۱	-	عَنْ أَبِي عَوْفِ الْعَجَلِيِّ
۴	۱۳۷-۲۴	۵	۳	-	-	-

ردیف	کد حدیث	کل راوی	راویان تکراری	راوی مجهول الحال	تکراری مجهول الحال	راوی غیر تکراری مجهول الحال
۵	۲۰۴-۹۱	۶	۳	-	-	-
۶	۲۰۵-۹۲	۶	۳	-	-	-
۷	۲۰۷-۹۴	۶	۶	-	-	-
۸	۲۸۴-۴۳	۵	۴	-	-	-
۹	۲۸۵-۴۴	۴	۲	-	-	-
۱۰	۴۰۸-۱۶۸	۵	۴	-	-	-
۱۱	۴۰۹-۱۶۹	۵	۳	-	-	-
۱۲	۴۳۴-۱۹۴	۶	۴	-	-	-
۱۳	۴۳۹-۱۹۹	۷	۳	۱	-	عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَصْرِيِّ
۱۴	۴۴۰-۲۰۰	۵	۳	۱	-	عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكِسَائِيِّ
۱۵	۵۷۸-۶۷	۷	-	۴	-	حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَا الْقَطَّانُ حَدَّثَنَا عُمَانُ بْنُ عُبَيْدٍ حَدَّثَنَا هُدْبَةُ بْنُ خَالِدٍ الْقَيْسِيَّ حَدَّثَنَا مُبَارَكُ بْنُ فَصَّالَةَ (القرشي)
۱۶	۶۲۳-۱۱۲	۵	۵	-	-	-
۱۷	۶۲۴-۱۱۳	۷	۵	۱	-	عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أُسْلَمَ (الطبري الجبلي): لم يتضح حاله وقد رمى بالغلو وفساد الحديث
۱۸	۶۲۵-۱۱۴	۶	۳	۲	-	عَنْ عُمَرَ بْنِ عَيْسَى تَوْصِيفِيٍّ إِذْ أَنْ يَبْدَأَ نَشْدَ عَنْ فُرَاتِ بْنِ أَخْتَفٍ: لم يتضح حاله رمى بالغلو والكذب
۱۹	۶۲۶-۱۱۵	۵	۳	-	-	-
۲۰	۶۶۱-۳	۷	۲	۳	-	حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مَنْصُورٍ (بن احمد القصار) بْنُ أَحْمَدَ الْقَصَّارِ بِفَرْغَانَةَ- حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع- حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَلِيِّ الْأَنْصَارِيِّ أَبُو عَلِيٍّ
۲۱	۶۶۷-۹	۹	-	۱	-	حَدَّثَنَا أَبُو عَامِرٍ
۲۲	۶۶۹-۱۱	۵	۴	-	-	-
۲۳	۶۹۰-۳۲	۸	۳	۴	-	عَنْ عَيْسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْهَاشِمِيِّ (عيسى عبد الله بن محمد العمري) عَنْ أَبِيهِ (عبد الله بن محمد بن عمر الاطراف) عَنْ جَدِّهِ: (عبد الله بن محمد بن عمر الاطراف) عَنْ آبَائِهِ (آباء عيسى بن عبد الله بن محمد العمري)



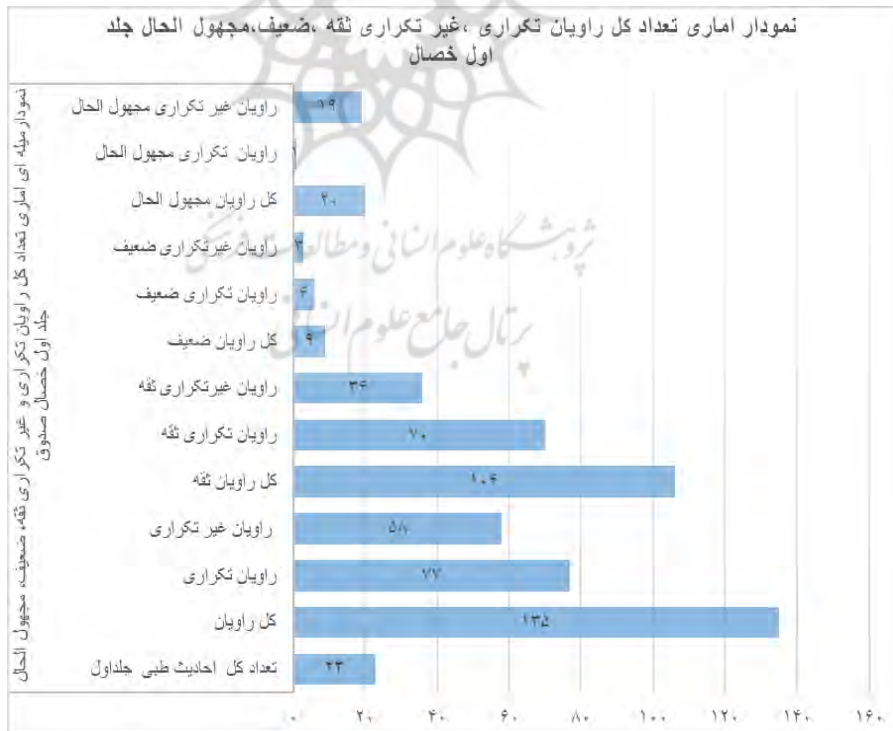
نتیجه گیری

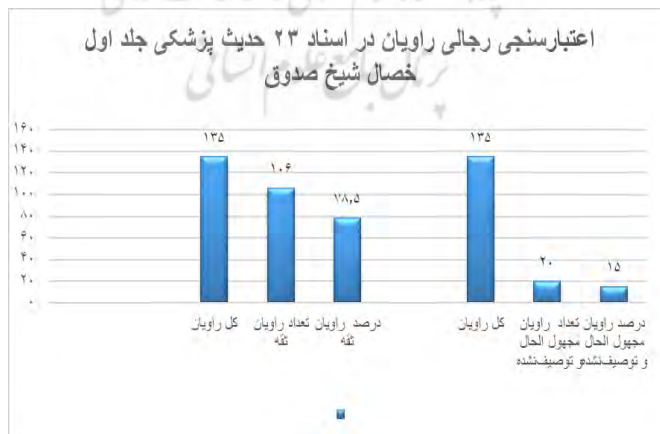
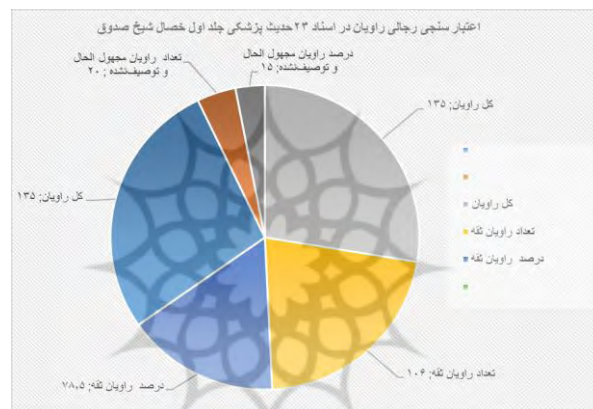
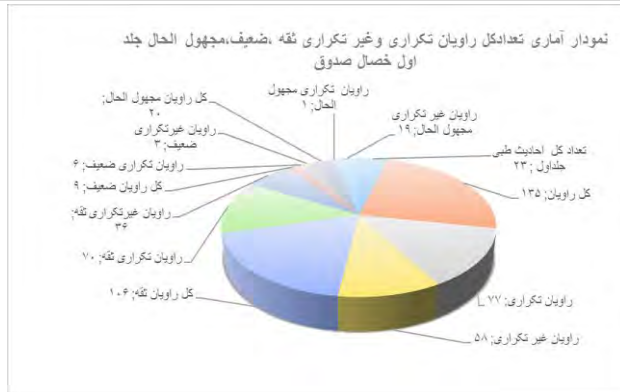
- ۱- کتاب «خصال» صدوق با بهره‌مندی از همه خصایص حدیث‌نگاری وی و با وجود حجم کم، دائرةالمعارف بزرگی از معارف اسلامی است و همواره موردعنايت عالمان شیعه بوده است.
- ۲- از مجموع روایات موجود در جلد اول خصال صدوق، اولاً تعداد ۲۳ حدیث پزشکی استخراج شده است؛ ثانیاً مجموع روایان موجود در زنجیره سندی ۲۳ روایت طبی جلد اول خصال، ۱۳۵ روای اند، که ۷۷ نفر از آنان، «روایان تکراری» و مجموع «روایان غیر تکراری» ۵۸ نفراند؛ ثالثاً مجموع «روایان ثقه» در سلسله اسناد این احادیث، ۱۰۶ روای اند، که ۷۰ نفر از آنان «روایان ثقه تکراری» و مجموع «روایان غیر تکراری ثقه» ۳۶ نفراند؛ رابعاً مجموع «روایان ضعیف» در سلسله اسناد این روایات، ۹ روای اند، که ۶ نفر از آنان «روایان ضعیف تکراری» و مجموع «روایان غیر تکراری ضعیف» ۳ نفراند؛ خامساً مجموع «روایان مجهول الحال و توصیف نشده» در زنجیره سندی این ۲۳ حدیث، ۲۰ روای اند که ۱ نفر از آنان «روایان مجهول الحال و توصیف نشده تکراری»، و مجموع «روایان غیر تکراری» در این حوزه ۱۹ نفراند.
- ۳- با توجه به آمار دقیق ارائه شده، به لحاظ «اعتبارسنجی رجالی روایان»، حدود ۷۸/۵٪ (= ۱۳۵ روای) از مجموع روایان موجود در اسناد ۲۳ حدیث پزشکی خصال (= ۱۰۶ روای)، «روایان ثقه» اند؛ و حدود ۱۵٪ (= ۲۰ روای) از آنها «روایان مجهول الحال و توصیف نشده»؛ و حدود ۶/۵٪ (= ۹ روای) از کل روایان، «روایان ضعیف» می‌باشند. به عبارت دیگر، بیش از دوسوم روایان احادیث طبی دو مجلد خصال، ثقه و مورد پذیرش اند.
- ۴- به لحاظ «اعتبارسنجی سندی روایات»، حدود ۵۲٪ (= ۱۲ روایت) از مجموع ۲۳ روایت طبی جلد اول خصال، «احادیث ضعیف اند»؛ و حدود ۴۸٪ (= ۱۱ روایت)؛ مجموع ۴ روایت موثق و ۷ روایت صحیح) از این تعداد، احادیث «موثق و صحیح» و مورد پذیرش محدثان می‌باشند. مضافاً به اینکه ضعف روایات، علت تأمه در عدم پذیرش روایات شمرده نمی‌شود.
- ۵- از نظر «ارزیابی اتصال و انفصال اسناد روایات»، ح دود ۸۷٪ (= ۲۰ روایت) از مجموع ۲۳ حدیث پزشکی جلد اول خصال، «روایات مسند» اند؛ و حدود ۴٪ (= ۱ روایت) از کل این تعداد، «روایات مرسل»؛ و [حدود ۹٪ (= ۲ روایت)] از آنها «روایات مرفوع اند. به عبارت دیگر ۹۰ درصد «نه دهم» روایات پزشکی جلد اول خصال «روایات مسند» می‌باشند.

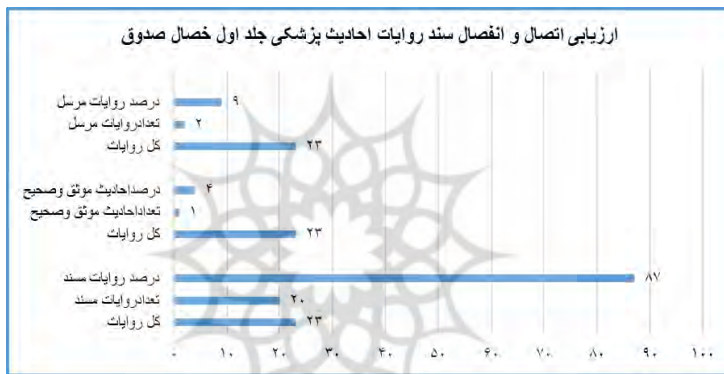
۶- در نهایت «روایات پزشکی» جلد اول خصال صدوق به دلیل بهره‌مندی از خصائص مثبت حدیث‌نگاری وی؛ برخوردارگی بیش از ۷۸/۵٪ «راوی ثقہ» در سلسله اسناد این روایات؛ اشمال بر بیش از ۸۷٪ «روایات مسند» و ۴۸٪ «روایات موثق و صحیح» قابل پذیرش محدثان، به لحاظ سندی - رجالی از قوت فراوانی برخوردار است.

بررسی آماری تعداد کل روایان تکراری و غیرتکراری ثقہ، ضعیف، مجهول الحال خصال جلد ۱

روایان غیر تکراری مجهول الحال	روایان تکراری مجهول الحال	کل روایان مجهول الحال	روایان غیر تکراری ضعیف	روایان تکراری ضعیف	کل روایان ضعیف	روایان غیر تکراری ثقہ	روایان تکراری ثقہ	کل روایان ثقہ	روایان تکراری	کل روایان	تعداد کل حدیث جلد ۱
۱۹	۱	۲۰	۴	۶۹	۹	۳۶	۷۰	۱۰۶	۷۷	۱۳۵	۲۳
										۵۸	مجموع راوی غیر تکراری









فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از اساتید جامعه المصطفی، انتشارات المصطفی، قم: چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ش.
۳. عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
۴. کمال‌الدین و تمام‌النعمه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۱ق.
۵. معانی الاخبار، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ق.
۶. المواعظ، ترجمة عزیزالله عطاری، تهران: انتشارات مرتضوی، ۱۳۹۴ق.
۷. علل الشرایع، نجف: مکتبه حیدریه، ۱۳۸۵ق.
۸. ثواب الاعمال، قم: منشورات رضی، ۱۳۶۴ق.
۹. ابن صلاح، عثمان بن عبدالرحمان، مقدمه ابن صلاح، بیروت: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۶ق.
۱۰. ابن عبداللطیف، عبدالعزیز محمد بن ابراهیم، ضوابط الجرح و التعديل، الجامعة الإسلامية بالمدينة المنورة، ۱۴۱۲ق.
۱۱. اعظمی، محمد ضیاءالرحمان، دراسات فی الجرح و التعديل، هند: الجامعة السلفية، ۱۴۰۳ق.
۱۲. آزادی، پرویز، بررسی جایگاه، اهمیت و اعتبارسنجی کتاب، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، مطالعات قرآن و حدیث، دوره چهارم شماره ۸، تابستان ۱۳۹۰.
۱۳. جلالی، مهدی، مقاله نگرشی بر فراز و فرود کارنامه حدیث‌نگاری شیخ صدوق، کتاب قیم، دوره اول، شماره ۲، بهار و تابستان ۱۳۹۰.
۱۴. خطیب، محمد عجاج، اصول‌الحديث، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ق.
۱۵. خویی، سید ابوالقاسم، معجم الرجال‌الحديث، قم: مرکز نشر آثار شیعه، ۱۴۱۰ق.
۱۶. سبحانی، جعفر، کلیات فی علم الرجال، قم: مدیریت حوزه علمیه، ۱۴۰۸ق.
۱۷. سبحانی، جعفر، اصول‌الحديث و احکامه فی علم الدرایة، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه، ۱۴۱۲ق.

١٨. سيوطي، جلال الدين، التدريب الراوي، بيروت: دارالكتب العربي، ١٤٠٥ق.
١٩. صالح، صبحي، علوم الحديث و مصطلحة، قم: منشورات رضی، ١٣٦٣ش.
٢٠. طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، عراق: مكتبة المرتضوية، بی تا.
٢١. طوسی، محمد بن حسن، رجال طوسی، قم: انتشارات جامعة مدرسين، ١٣٧٣ش.
٢٢. عراقی، عبدالحسين، الالفية العراقي موسم به التبصرة و التذكرة، بيروت: دارالكتب العلمية، بی تا.
٢٣. عاملی، زين الدين (شهيد ثاني)، الدراية، قم: مجمع علمي اسلامي، ١٤٠٤ق.
٢٤. عاملی، محمد بهاء الدين، الوجيزه في علم الدراية، قم: منشورات المكتبة الاسلامية، ١٣٩٦ق.
٢٥. عاملی، حسن، معالم الدين في الاصول، قم: دفتر تبليغات، ١٣٦٥ش.
٢٦. القطن، متاع، مباحث في علوم الحديث، بی جا: بی تا.
٢٧. مامقانی، عبدالله، مقباس الهداية في علم الدراية، مؤسسة آل البيت، ١٤١١ق.
٢٨. مدير شانه چي، كاظم، دراية الحديث، قم: دفتر انتشارات اسلامي، ١٣٧٥ش.
٢٩. معارف، مجيد، شناخت حديث، تهران: مؤسسة فرهنگي نيا، ١٣٨٧ش.
٣٠. نجاشي، احمد بن علي، رجال نجاشي، قم: مؤسسة النشر الاسلامي التابعة لجماعة المدرسين، ١٤٠٧ق.
٣١. نصيري علي، آشنایی با علوم حديث قم: انتشارات مركز مديريت حوزه علميه، ١٣٨٢ش.
٣٢. ويكي پديا، شيخ صدوق.
٣٣. نرم افزار جامع فقه اهل بيت (ع)، مركز تحقيقات كامپيوترى علوم اسلامي.
٣٤. نرم افزار جامع الاحاديث، مركز تحقيقات كامپيوترى علوم اسلامي.